

## معرفی و نقد کتاب ۲

### نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل

*Richard N. Lebow, a Cultural Theory of International Relations, New York: Cambridge University Press, 2008, 762pp.*

کتاب نظریه‌های کلان روابط بین‌الملل در طول نیم قرن گذشته معدود بوده‌اند. «نظریه سیاست بین‌الملل» کنت والتز در سال ۱۹۷۹، و بیست سال پس از آن، «نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل» الکساندر ونت منتشر شد و اکنون، ریچارد ند لیبو «نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل» را ارائه کرده است. بررسی لیبو با این مقدمه آغاز می‌شود که برانگیزاننده سیاست بین‌الملل، سه محرک کنش انسانی هستند که در دوران باستان توسط توسیدید، ارسطو، افلاطون و دیگران تشخیص داده شدند و عبارتند از: اشتها، خرد، و «روحیه». لیبو استدلال می‌کند که روحیه و مفاهیم مرتبط با آن (افتخار، منزلت، هویت، و پرستیژ)، در نظریه‌های کلان صرفه‌جویانه پیشین سیاست بین‌الملل، از جمله نظریه‌هایی که خود را رئالیست و سازه‌انگار معرفی می‌کنند، به اندازه کافی مورد توجه و نظریه‌پردازی قرار نگرفته است.

کتاب ۷۶۲ صفحه‌ای «نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل»، که در سال ۲۰۰۸ توسط انتشارات دانشگاه کمبریج به چاپ رسید، شامل ده فصل با عنوان‌های زیر است:

(فصل نخست: مقدمه)، (فصل دوم: ترس، منافع و افتخار)، (فصل سوم: روحیه و نمود آن)، (فصل چهارم: جهان باستان)، (فصل پنجم: اروپای قرون وسطی)، (فصل ششم: از پادشاه آفتاب تا انقلاب)، (فصل هفتم: امپریالیسم و جنگ جهانی اول)، (فصل هشتم: جنگ جهانی دوم)، (فصل نهم: هیتلر تا بوش و فراتر از آن)، (فصل دهم: یافته‌های کلی و نتایج).

سه فصل نخست و فصل پایانی، عمدتاً مربوط به نظریه لیبو هستند و چارچوب

انگیزه‌ای سه‌وجهی او را تشریح می‌کنند. او کار خود را با نقد عام نظریه‌های کلان‌پیشین روابط بین‌الملل آغاز می‌کند و شکست رئالیسم در توضیح پدیده‌های سطح دولتی (سطح واحد)، و تمرکز تنگ‌نظرانه نظریه‌های لیبرال-ایدئالیست (از جمله سازه‌انگاری ونت که به‌زعم لیبو نوعی لیبرالیسم ساختاری است) بر جهان مدرن، و غایت‌شناسی لیبرال-دموکراتیک آنها را مدنظر قرار می‌دهد؛ قابل توجه‌ترین سهم لیبو، تلقی او از روحیه به‌عنوان هدفی فی‌نفسه و نه، مثل سایر نظریه‌های کلان، ابزاری برای رسیدن به هدف است. وی مدعی است که روحیه منتسب به قلمرو گسترده‌ی تعاملات اجتماعی است. فصل دوم، مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی نظریه لیبو را ارائه می‌کند. نقطه عزیمت او، توصیف سه‌وجهی یونانیان باستان از روان بشر است که شامل سه انگیزه روحیه، اشتها، و خرد می‌شود. وی به‌طور مختصر، جهان‌های مبتنی بر هریک از این سه انگیزه و پیامدهای متفاوت آنها برای همکاری، تضاد و ریسک‌پذیری را توصیف می‌کند. او همین کار را در مورد جهان‌های ترس‌محور نیز انجام می‌دهد. لیبو این فصل را با بحث درباره مشکل‌سازترین جنبه‌های نظریه خود و چگونگی پرداختن به آنها به پایان می‌رساند.

فصل سوم، ماهیت، رفتار و تنش‌های جهان‌های روحیه‌محور را تشریح می‌کند. افلاطون و ارسطو، شالوده‌های فلسفی این گونه آرمانی لیبو را مهیا کرده‌اند، زیرا نخستین کسانی بوده‌اند که در مورد روحیه و پیامدهای آن برای رفتار انسان و نظم‌های سیاسی، نظریه‌پردازی کرده‌اند. آنها به‌شدت تحت تأثیر هومر بوده‌اند. فصل‌های چهارم تا نهم، شامل مجموعه‌ای از مطالعات موردی درباره جهان‌های باستان، قرون وسطی، پیشامدرن، و مدرن می‌شود. فصل چهارم با تحلیل یونان کلاسیک آغاز می‌شود. یونان کلاسیک به‌عنوان جامعه‌ای توصیف می‌شود که در آن افتخار، ارزشی مهم، اگر نه مسلط، برای نخبگان بود. لیبو تحلیل خود را به دوره‌های هلنی و رومی گسترش می‌دهد. فصل پنجم، تحلیل لیبو را تا اروپا، از اوایل دوران میانه تا جنگ صدساله، بسط می‌دهد. در فصل ششم، لیبو اروپا را از وستفاليا (۱۶۴۸) تا انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) مورد بررسی قرار داده است. فصل هفتم، از انقلاب فرانسه تا جهان مدرن را بررسی می‌کند و امپریالیسم‌های قرن نوزدهم و دلایل وقوع جنگ جهانی اول را مدنظر قرار می‌دهد.

لیبو در فصل‌های هشتم و نهم استدلال می‌کند که اشتها و ترس نمی‌توانند بروز جنگ

جهانی دوم، جنگ سرد، یا ناکامی فعلی ایالات متحده در عراق را تبیین کنند. وی تصمیم‌های قدرت‌های بزرگ فاشیست را در مورد نخست، به‌طور مفصل بررسی می‌کند و درمی‌یابد که سیاست‌های آنها اغلب، ملاحظات اقتصادی و امنیتی را که تبیین‌های اشتها محور و ترس محور معمولاً آنها را مورد تأکید قرار می‌دهند، ناچیز انگاشته‌اند. در طول جنگ سرد، روحیه، اشتها، و ترس همگی در ابتدا وجود داشتند، اما پس از آن، بحران موشکی کوبا، مسابقه تسلیحاتی و جلوه‌های مرتبط، نشان داده‌اند که روحیه رو به صعود است. جنگ ۲۰۰۳ عراق نیز بازتاب جستجوی عزت نفس توسط جورج دبلیو بوش است. در فصل دهم (نتیجه‌گیری)، لیبو نظریه خود را براساس یافته‌های تجربی اصلی‌اش ارزیابی می‌کند.

ریچارد لیتل، در مقاله خود با عنوان «هنوز راه زیادی تا نظریه باقی است»، می‌کوشد، ویژگی‌های اساسی تلاش لیبو در «نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل» برای ارائه یک نظریه کلان جدید روابط بین‌الملل را شناسایی کند. وی بر آن است که نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل از لحاظ دامنه و بلندپروازی واقعاً شگفت‌انگیز است. حجم کتاب، ماهیتی تاریخی به آن می‌بخشد، و حجم منابع مورد استفاده (حدود ۳۰۰۰ منبع) واقعاً بهت‌آور است. همچنین روشن است که هدف لیبو، که یکی از بارورترین و التقاطی‌ترین ذهن‌های این حوزه را دارد، تجمیع یک عمر یادگیری در انواع حوزه‌های بسیار متفاوت است. اما لیبو این را نیز بیان می‌کند که این کتاب تنها گزارشی موقت است. این کتاب، دومین مرحله پروژه بزرگ‌تری است که با کتاب «منظره تراژیک سیاست» او آغاز شد و نهایتاً در کتاب سومی به‌ثمر می‌نشیند که هنوز در حال نگارش است، اما، این حس بسیار قوی وجود دارد که لیبو در حال کلنجار رفتن با جانوری است که کنترل آن را دشوار می‌یابد. در یک‌جا، او اذعان می‌کند که رویکردش نامنظم‌تر از آن است که آرمان او بوده است (یا شاید بی‌در و پیکر اصطلاح مناسب‌تری از نامنظم باشد)، اما او نتوانسته است راهی برای تحقق چارچوبی ساختارمند، آراسته‌تر و منسجم‌تری بیابد. او همچنین به‌صراحت می‌پذیرد که چارچوب فعلی او بی‌تردید هم‌زمان با پیشرفت فکر و پژوهشش مورد جرح‌ها و تعدیل‌های آینده قرار خواهد گرفت و این تغییرات در کتاب بعدی گنجانده خواهند شد. با وجود این، با وضع کنونی، او هنوز می‌پندارد که رویکردی را طرح کرده است که بر مشکلات سایر نظریه‌های کلان فائق می‌آید.

لیتل بر این نظر است که گرچه مطالعات موردی‌ای که لیبو به‌منظور ارزیابی فایده

چارچوب نظری‌اش انتخاب می‌کند، تعصب اروپامحورانه را منعکس می‌کنند، ولی به‌صراحت اعلام می‌کند که چارچوب او در هر مکان و نیز زمانی قابل‌کاربرد است. لیتل بر آن است که عنوان فصل ماقبل آخر کتاب، «هیتلر تا بوش و پس از آن»، رنگ‌وبوی حمله به خود گرفته است. لیبو به‌صراحت اذعان می‌کند که این عنوان، بی‌تردید موجب رنجش برخی از خوانندگان خواهد شد، و می‌کوشد نقد احتمالی را با این بیان، دفع کند که این عنوان به‌سادگی با دورانی که این فصل آن را پوشش می‌دهد، انطباق دارد، اما این ادعا در عمل، تنها حرکتی منحرف‌کننده است. مقصود او بیان برخی همسانی‌ها بین آلمان فاشیست و ایالات متحده امریکای معاصر است. اگرچه او تصدیق می‌کند که بوش یک «جنایتکار بیمار» نیست، اما همچنان اصرار دارد که «همانندی‌های نگران‌کننده‌ای بین دو ملت و تاکتیک‌های رهبران آنها» وجود دارد؛ بنابراین، نقد او کاملاً فراتر از حملات معمولی و فراگیر به سیاست خارجی بوش است.

لیتل معتقد است که در واقع، بحث صریح بسیار اندکی در مورد فرهنگ در کتاب وجود دارد و این به آن دلیل است که تاکنون در سطح انگیزه بشر ارائه شده است. لازم است که لیبو این حرکت بسیار مهم را صریح‌تر بیان کند. درنهایت، تصور لیتل این است که ایجاد یک نظریه عام مورد توافق در هر زمینه‌ای از علوم اجتماعی، نوعی توهم است و در نتیجه، راه نظریه، از جمله نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل، نه تنها طولانی، بلکه بی‌پایان است.

*آندریاس اوسیاندر*، در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ، تغییر و معنای تاریخ: تأملاتی بر نظریه جدید روابط بین‌الملل ریچارد لیبو»، فقدان حساسیت به مسئله تغییر ساختاری را برجسته می‌کند. وی معتقد است، برخلاف ادعای لیبو در مورد سازگاری بیشتر دیدگاهش با تغییر، نسبت به نظریه موجود روابط بین‌الملل، تمرکز انحصاری او بر تکرار الگوهای رفتاری خاص در طول تاریخ به‌عنوان شالوده‌ای برای یک نظریه کلان جدید، ناکافی است. دین و ایدئولوژی، که بی‌تردید باید در قالب پدیده‌هایی فرهنگی طبقه‌بندی شوند، تقریباً مورد غفلت قرار گرفته‌اند. کتاب از «مرور همدلانه» گذشته که وعده‌اش را می‌دهد، دور است؛ به‌علاوه، این استدلال به‌واسطه اشتباه‌های فراوان مربوط به امور واقع که کتاب در خود دارد، به‌شدت تضعیف می‌شود.

ادعای لیبو در صفحه ۵۸، اوسیاندر را قانع نمی‌کند که ونت، مثل والتز، تغییر را مدنظر

دارد، اما دلایل آن را ذکر نمی‌کند. رویکردهای ونت و لیبو در این زمینه به حدی شباهت دارند که انتظار می‌رود که کتاب لیبو حداقل شباهت را بپذیرد. گفته‌های لیبو درباره ویژگی «خودتحقق‌بخش» «انتظارات اجتماعی» (ص ۵۰۳) نیز ونت را به یاد می‌آورد که به‌طور مفصل به مفهوم «فرهنگ به‌عنوان پیشگویی خودتحقق‌بخش» می‌پردازد، اما اگرچه از ونت در جاهایی از کتاب لیبو (پیوسته به‌شکلی انتقادی) نقل‌قول می‌شود، هیچ بحثی درباره این واقعیت نمی‌شود که به‌تعبیری، سازه‌انگاری ونتی نیز نوعی «نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل» جلوه می‌کند. موضوع دیگر اینکه، کتاب لیبو حتی بیش از والتر یا ونت، به‌طور مطلق دولت را، صرف‌نظر از دوران مورد بررسی، مفروض می‌گیرد. لیبو اذعان می‌دارد که چارچوب‌هایی که کنشگران در آنها عمل می‌کنند، از نقطه‌نظر فرهنگی تغییر می‌کنند، اما آنها از ابعاد دیگری نیز تغییر یا تفاوت می‌کنند: برای نمونه، از لحاظ اقتصادی، تکنولوژیک، بوم‌شناختی و به‌تعبیری، ساختاری که اوسپاندر بررسی کرده است.

*رابی شیلیام*، در مقاله «نقد قانونی نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل لیبو» از توجه نکردن لیبو به استعمار و استعمارزدایی از منظر استعمارشدگان، ناراضی است. وی معتقد است، اتکای لیبو بر ارسطو، به‌ویژه برداشت او از خشم، او را به انکار کارگزاری زیردستان سوق می‌دهد. شیلیام به‌دلیل اینکه لیبو تحلیل خود را عمدتاً به فرهنگ‌های غربی محدود می‌کند، او را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت، کتاب لیبو حاصل پژوهشی عمیق در طیف متنوعی از رشته‌ها و حوزه‌های دانشگاهی است، و گواه این ادعا نیز کتابنامه ۱۶۹ صفحه‌ای آن است. آنچه از مجموع دیدگاه‌های منتقدان برمی‌آید این است که کتاب جدید لیبو، با وجود نقدهای مطرح‌شده، اثر تاریخی و نظری بسیار پربراری درباره انگیزه‌های فرهنگی جنگ‌سازی و صلح‌سازی در روابط بین‌الملل است.

**سجاد حیدری‌فرد**

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه

خوارزمی تهران